



روایت‌های خاندان رستم و تباریخ‌نگاری ایرانی

ساقی‌گازرانی

ترجمه‌ی سیما سلطانی

برنده‌ی جایزه‌ی انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی



فهرست

یازده	یادداشت نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی
۱	درباره‌ی نویسنده
۳	مقدمه‌ی مترجم
۵	مقدمه
۲۱	فصل اول: زمینه‌ی تاریخی
۲۲	۱.۱ پادشاهی سکایی - پارتی سیستان
۲۴	۲.۱ خاندان حاکم در سیستان در روزگار باستان
۵۰	۳.۱ خانواده‌ی سورن، خانواده‌ی رستم
۵۶	۴.۱ خانواده‌ی پارتی دیگر
۶۱	۵.۱ بازتاب‌های تاریخ پارتیان در مجموعه حماسه‌های سیستان
۶۵	فصل دوم: مصادره‌ی قهرمان اوستا و بیدایش خاندان رستم
۶۹	۱.۲ تبارشناسی گرشاسپ
۷۱	۲.۲ گرشاسپ و بنا نهادن سیستان
۷۷	۳.۲ مجموعه‌ی بن‌مایه‌های پهلوانی
۸۶	۴.۲ روایت دیگری از داستان/تاریخ
۹۲	۵.۲ جای پای یک منازعه‌ی دینی
۹۷	فصل سوم: اوج قدرت سورن
۹۹	۱.۳ آغاز دوره‌ی پهلوانی رستم
۹۹	۱.۱.۳ ببر بیان
۱۰۶	۲.۱.۳ تَنک کَهزاد
۱۱۰	۳.۱.۳ هفت خان
۱۱۳	۲.۳ بازتاب‌های تاریخی
۱۱۳	۱.۲.۳ زمانی برای اتحاد
۱۱۹	۲.۲.۳ موقعیت خاص خاندان رستم
۱۳۱	۳.۲.۳ آغاز پایان: ظهور لهراسپ
۱۴۷	فصل چهارم: پهلوانان سیستانی مظلوم
۱۵۱	۱.۴ برزو
۱۶۴	۲.۴ جهانگیر
۱۶۷	۳.۴ شهریار

یادداشت نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی

از جناب آقای دکتر علی قیصری تشکر می‌کنم که مرا در انتخاب نشر مرکز برای ترجمه‌ی فارسی کتاب راهنمایی کردند، همچنان که در سایر زمینه‌ها نیز از راهنمایی و همدلی ایشان برخوردار بوده‌ام. برای من بسیار مغتنم است که این کتاب توسط مترجمی توانا، خانم سیما سلطانی به انجام رسید. نگاه موشکافانه و صرف وقت بسیار ایشان در به دست دادن ترجمه‌ای روان و رسا بسیار نقش داشت و همواره از مشورت‌ها و وجود پرمهر ایشان بهره‌مند بوده‌ام. دست‌اندرکاران محترم نشر مرکز کمال همگامی را برای پیشبرد هرچه سریع‌تر و بهتر انتشار این کتاب به خرج دادند، از زحماتشان تشکر می‌کنم و به‌ویژه از جناب آقای علیرضا رضائی، خانم لیلی برات‌زاده و آقای علی معظمی متشکرم که در تمام مراحل انتشار کتاب مرا مورد لطف خود قرار دادند. این ترجمه با موافقت کتبی من توسط نشر مرکز منتشر می‌شود و تنها ترجمه‌ی فارسی مورد تأیید من از این کتاب است.

ساقی گزرائی

ژانویه ۲۰۱۹

درباره‌ی نویسنده

دکتر ساقی گازرانی متولد ایران است، در کودکی با خانواده راهی آلمان شد و پس از گرفتن دیپلم به آمریکا رفت. در دانشگاه شهر مریلند دوره‌ی کارشناسی را گذراند و سپس در دانشگاه اوهایو در دپارتمان زبان‌ها و فرهنگ‌های خاورمیانه به تحصیل مشغول شد. موضوع رساله‌ی وی در دوره‌ی کارشناسی ارشد نگاهی تطبیقی به مفهوم عباری بوده است. مقطع دکتری در همان دانشگاه به دپارتمان تاریخ رفت و در رشته‌ی تاریخ اسلام، با تمرکز بر ایران از پیروزی اعراب تا حمله‌ی مغول، رساله‌ی خود را با نام **مجموعه‌ی حماسه‌های سستانی** (The Sistani Cycle of Epics) ارائه داد و به دریافت مدرک دکتری نائل گشت. وی در دانشگاه‌های مختلف از جمله دانشگاه اوهایو، دانشگاه بغازچی استانبول و کالج رایت شیکاگو به تدریس تاریخ تمدن خاورمیانه، ادبیات و زبان فارسی، تداوم و تغییر در ایران سده‌های میانه، و تاریخ ادبیات خاورمیانه پرداخته است. ضمن این که مدتی در سمت معاون سردبیر مجله‌ی مطالعات فارسی‌زبانان در آمریکا به کار مشغول بوده است. دکتر گازرانی به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، عربی و فارسی مسلط است.

کتاب حاضر در واقع رساله‌ی دکتری اوست که پس از شش سال کار مداوم و سفرهایی به هند و کشورهای دیگر، برای یافتن دستنویس‌های موردنیاز، با شکلی جدید و نگرشی تازه در سال ۲۰۱۶ توسط انتشارات بریل به چاپ رسید و بی‌درنگ جایزه‌ی انجمن بین‌المللی ایران‌شناسی را از آن خود کرد.

دکتر گازرانی هم‌اکنون ساکن ایران است.

مقدمه‌ی مترجم

کتاب حاضر با نگاهی نو به حماسه‌های ایرانی می‌نگرد، حماسه‌هایی که در اثر پرتو نور جاودانه‌ی شاهنامه کمتر به چشم آمده‌اند و اگر نیز دیده شده‌اند نه چنین یکدست و در مجموعه‌ای مرتبط، بلکه با هدف انکار ارزش وجودی آنها یا صرفاً وظیفه‌شناسی ادبی و مقایسه‌ی نظم آنها با شاهنامه، شاهکار زبان فارسی، بوده است. این کتاب گذشته از بحث این حماسه‌ها به شکل مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته به کارکرد تاریخ‌نگاری و ملت‌سازیت‌بخشی آنان توجهی عالمانه و همه‌جانبه مبذول داشته است که بدون شک دست کم به کار تاریخ‌اشکانیان خواهد آمد، بمانند که چنین رویکردی در کل تاریخ ایران نیز راهگشا خواهد بود. کتاب اگرچه با اشعار حماسی سروکار دارد، عمدتاً با متد تاریخی نگاشته شده و یکی از اهداف آن مسأله‌ی تاریخ‌نگاری ایرانیان و حافظه‌ی تاریخی آنان است، امری که تصور غالب امروزی به ویژه در پژوهش‌های غربی وجود آن را به دیده‌ی انکار می‌نگرد.

باعث میاهات است که استادم دکتر ژاله آموزگار مرا برای ترجمه‌ی این اثر به نویسنده توصیه کردند و موجب افتخار است که دکتر گازرانی کتاب ارزشمند خود را به من سپردند. امیدوارم ترجمه‌ی کتاب از حظی که من از خواندن آن و مواجهه با دیدگاه‌های نو و اثرگذار آن برده‌ام نگاهد.

در اینجا لازم می‌دانم به سهم خود، از مدیریت نشر مرکز برای علاقه، توجه و دقتی که صرف چاپ این کتاب شده است قدردانی کنم.

مقدمه

نیم قرن از زمانی که چرخش زبانی (linguistic turn) به تغییر الگوهای بررسی متون منجر شد و شیوه‌های متداول بررسی متن را به طور جدی مورد تردید قرار داد می‌گذرد.

در جهان پسا ساخت‌گرایی و پست‌مدرن رابطه‌ی میان حقیقت و باز‌نمایی متنی آن مورد پرسش قرار گرفت. در نتیجه تحول از آن جهت که سازنده‌ی گفتمان هستند و خود باز نمود «ی» از حقیقت به حساب می‌آیند بررسی شدند. ما متوجه شدیم که آنچه به عنوان حقیقت از آن سخن می‌گوییم در واقع «یک» تصویر یا «یک» باز‌نمایی از واقعیت است که در گفتمانی خاص قرار دارد، ساختمانی معنایی که از طریق آنچه ما می‌اندیشیم و به آن عمل می‌کنیم شکل گرفته است. به زبان ساده، گفتمان به عینکی می‌ماند که ما ناآگاهانه به چشم داریم و مانند فیلتری عمل می‌کند که تعیین‌کننده‌ی چگونگی نمود واقعیت بیرونی برای ماست. آنچه می‌بینیم (یا آنچه از دید ما پنهان می‌ماند) و چگونگی دیدن اشیا همه تحت تأثیر آن قرار دارند. رویکرد مزبور از این نیز گامی پیش‌تر گذاشت و به آنجا رسید که اساساً بیرون از این فیلتر هیچ واقعیت خارجی وجود ندارد. در نتیجه درک ما چیزی به جز نمودهای این عینک فرضی نیست، یا دست‌کم ما نمی‌توانیم به آنچه حقیقت می‌نامیم بیرون از آنچه می‌بینیم دسترسی داشته باشیم؛ در واقع میزان و محکی برای انطباق آنچه واقعیت بیرونی می‌پنداریم و آنچه می‌بینیم نداریم. نگرش مزبور ادعای دستیابی به واقعیت بیرونی را

فصل اول

زمینه‌ی تاریخی

به باور من مجموعه‌ی حماسه‌های سیستانی یک ژانر تاریخی‌نگاری را تشکیل می‌دهند. برای اثبات این ادعا لازم است زمینه‌ی تاریخی داستان‌ها مشخص گردد. اگرچه آنها در طول هزاران سال در جغرافیای پهلوان، از شبه‌قاره‌ی هند در شرق تا ارمنستان در شمال غرب و شبه‌جزیره‌ی عربستان در جنوب غرب، پیوسته بازگو شده‌اند، اما بی‌تردید لایه‌ی اصلی‌تکوینی آنها، مخصوصاً یک دوره‌ی تاریخی مشخص در منطقه‌ای است که بعدها سیستان خوانده شد. بنابراین من در نخستین بخش از این فصل به شرح شرایط تاریخی خاصی می‌پردازم که منجر به سر برآوردن خانواده‌ی نجیب‌زاده‌ی پارتی سورن^۱ در مرز شرقی پادشاهی پارت شد، به ویژه آن که منظور از حمایت و تولید مجموعه‌ی حماسه‌های سیستان اساساً روایت دستاوردهای حکمرانان سورن سیستان در گذشته و حال بوده است. دومین کلمه منطقی می‌بایست تطابق پهلوانان خاندان سیستان با حکمرانان سورن سیستان باشد. فرضی که خواهیم دید پیش از این هم سابقه داشته است. با این همه من در این فصل به ارائه‌ی شواهد بیشتری از منابع ادبی و سکه‌ها خواهم پرداخت.

اگرچه من برای این کار از روش‌های تاریخی استفاده کرده‌ام، اما بر این نکته تأکید دارم که هدفم ارزیابی مجموعه‌ی حماسه‌های سیستان از نظر انطباق با واقعیت نبوده است. بنابراین نخواهم کوشید قهرمانان اصلی داستان را از موقعیت‌شان در قصه بیرون بکشم تا با چهره‌ی تاریخی معینی مطابقت دهم (مثلاً رستم را با گُندَفر) و

۱. برای نام سورن و ریشه‌های احتمالی آن ن.ک.

نیز اصرار نخواهم کرد که بازتاب حادثه‌ای تاریخی که در داستانی محفوظ مانده است به یک رویداد خاص اشاره دارد. همچنان که خواهیم دید، تحلیل من متوجه کارکرد دست‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های ادبی در این ژانر است، که مبتنی اساطیری دارند و بدون تردید بس کهن‌تر از لایه‌ی تاریخی این داستان‌ها بوده‌اند. این‌جا هدف، جدا کردن واقعیت از خیال نیست، بلکه بررسی روشی است که این ژانر از طریق آن به طور کلی به روایت گذشته می‌پردازد. با این حال، بررسی سابقه و زمینه‌ی تاریخی حماسه‌های امری ضروری است، زیرا تنها با ارائه‌ی قراین و زمینه‌ی جغرافیایی - تاریخی شکل‌گیری آنهاست که شاید بتوان به درک کارکرد تاریخ‌نگارانه‌ی آنها به مثابه‌ی آثاری که دست‌کم تا اندازه‌ای حل‌مشغول مجادلات مربوط به مشروعیت قدرت بوده‌اند نائل شد. پس، شناسایی حوادث تاریخی‌ای که داستان‌ها به آن‌ها اشاره دارند، نخستین گام اساسی در این روند به حساب می‌آید. در این فصل صرفاً به تعیین زمینه‌ی تاریخی شکل‌گیری این داستان‌ها خواهیم پرداخت. در فصول دیگر هر گاه بحث به پیشینه‌ی تاریخی داستان‌ها مربوط شود به این فصل ارجاع خواهم داد.

۱.۱ پادشاهی سکایی - پارتی سیستان

رویدادی که عوامل لازم را فراهم کرد تا این نوع جدید تاریخ‌نگاری، یعنی مجموعه‌ی حماسه‌های سیستانی پدید آید،^۲ با هجوم سکایان^۳ به مرزهای امپراتوری پارتیان آغاز گشت. در حدود اواخر قرن دوم پیش از میلاد، ایلی از

۲. منظور من انقای این معنا نیست که داستان‌های مجموعه‌ی حماسه‌های سکایان همه پس از هجوم سکاهای به منطقه ساخته شدند. بدیهی است که بسیاری از این داستان‌ها نخستین دست‌مایه‌ها و بن‌مایه‌های آنان از پیشینه‌ای بس کهن‌تر برخوردارند. با وجود این، علت مهمی که موجب شد داستان‌های قدیمی‌تری از سنت‌های ادبی گوناگون در داخل این ژانر منجمد و لحاظ‌شکلی مشخص گنجانده شود، با گرفتن حکومت سکایی - پارتی بود که علت وجودی آن نیز هجوم سکایان به منطقه بوده است.

۳. سکا یا سکوتیا (Scythian) اصطلاحی کلی است که اشاره به جمعیت‌های مختلفی از کوچ‌گران و نیمه‌کوچ‌گرانی دارد که ریشه در آسیای مرکزی دارند. آنان در زمان‌های گوناگون به سوی شرق و غرب مهاجرت کرده‌اند. در کتیبه‌ی بیستون داریوش اول و نیز در گزارش‌های مورخ یونانی، هرودوت، از آنان یاد شده است. در تاریخ ایران، قوم داهه یکی از گروه‌های شناخته‌شده‌ی سکایی است که قبیله‌ی اپرنی به آن تعلق داشته است. اهمیت این موضوع از آن‌جاست که ارشک، بنیانگذار سلسله‌ی اشکانی و امپراتوری پارت، رئیس قبیله‌ی اپرنی بوده است.

قبایل کوچ‌گرد که در مجموع تحت عنوان سکا شناخته شده‌اند، از زادگاه خود به سوی جنوب غرب پیشروی کردند. علت حرکت وسیع سکایان حمله‌ی قبیله‌ای از سرزمین مادری خود آنان بود، سگاهایی که چینیان آنان را با نام یوئه‌چی و همسایگانیشان با نام شیونگ‌نو یا هون‌ها می‌شناختند. اگرچه ما از جزئیات این حمله اطلاعی نداریم، اما می‌دانیم که علت حرکت سکاها به سوی غرب، به بلخ و از آن‌جا به قلمرو پارتیان، همین حمله بوده است.⁴

پیش از بررسی اثرات این رویداد در اوضاع پادشاهی پارت، لازم است چند کلمه‌ای درباره‌ی مشخصات منابع تاریخی گفته شود. منابع روایی ما درباره‌ی این دوره از تاریخ ایران محدود به آثار نویسندگان یونانی و رومی است، نویسندگانی که عمدتاً در واقع مسائل مربوط به توأحی غربی امپراتوری پارت، به‌خصوص برخوردهای میان پارت و روم بود. دیوباز در سال ۱۹۳۸ نوشت: «مدارک درباره‌ی رویدادهای مرزهای شرقی پارت بسیار ناچیز است، زیرا آن ناحیه دورتر از آن بود که توجه تاریخ‌نگاران غربی را به خود جلب کند؛ کارهای باستان‌شناسی نیز در شرق ایران به تازگی آغاز شده است.»⁵ از آن زمان که دیوباز به روایت تاریخ امپراتوری پارتیان همت گماشت، عرصه‌ی تاریخ پارت شاهد موجی از پژوهش‌های تازه و بیش از همه یافته‌های مربوط به باستان‌شناسی و سکه‌شناسی بوده است. یافته‌هایی که به ما اجازه می‌دادند به تفسیرهای جدیدی از ابعاد مهم تاریخ پارت دست پیدا کنیم.⁶ با این حال، چنان‌که خواهیم دید، اطلاعات ما از حوادث شرقی ایران، در بهترین حالت، هنوز مبهم و پراکنده است. اکنون با توجه به محدودیت منابع می‌توانیم بحث در مورد سلسله‌ی حوادثی را آغاز کنیم که زمینه‌ی تاریخی شکل‌گیری این ژانر تاریخ‌نگاری را پدید آوردند.

نخستین سند از ظهور قبایل سکا در مرزهای شرقی پادشاهی پارت به

4. Senior, Indo-Scythian coins 1:10.

5. Debevoise, Political history of Parthia 54.

6. مقدمه‌ی کتاب زیر، خلاصه‌ای از تغییر نگرش در مورد پارتیان و میراث آنان به دست می‌دهد: Curtis and Stewart, *Age of the Parthians*, the introduction to Wolski, *L'Empire*,

و به تازگی در:

کتاب حاضر با نگاهی نو به حماسه‌های ایرانی می‌نگرد، حماسه‌هایی که بر اثر پرتو جاودانه‌ی شاهنامه کمتر به چشم آمده‌اند و اگر نیز دیده شده‌اند نه چنین یکدست و در مجموعه‌ای مرتبط، بلکه با هدف انکار ارزش وجودی آنها یا صرفاً وظیفه‌شناسی ادبی و مقایسه‌ی نظم آنها با شاهنامه، شاهکار زبان فارسی، بوده است. این کتاب، گذشته از کشف این حماسه‌ها به شکل مجموعه‌ای به هم پیوسته، به کارکرد تاریخ‌نگاری و مشروعیت‌بخشی آنان توجهی همه‌جانبه‌مبذول داشته است که بدون شک دست کم به کار تاریخ‌اشکلبانیان خواهد آمد، بمانند که چنین رویکردی در کل تاریخ ایران نیز راهگشا خواهد بود. کتاب اگرچه با اشعار حماسی سروکار دارد، عمدتاً با متد تاریخی نگاشته شده و یکی از اهداف آن مسأله‌ی تاریخ‌نگاری ایرانیان و حافظه‌ی تاریخی آنان است، امری که تصور غالب امروزی به ویژه در پژوهش‌های غربی وجود آن را به دیده‌ی انکار می‌نگرد.

ساقی‌گازرانی در سال ۲۰۰۷ دکترای خود را در رشته‌ی تاریخ از دانشگاه ایالتی اوهایو دریافت کرد، و از همان زمان به بعد به پژوهش و انتشار آثاری درباره‌ی ابعاد گوناگون ژانرهای ادبی و تاریخی سده‌های میانه‌ی ایران پرداخته است.

